اخبار

بایرن، قطار بی‌ترمز؛ بارسا، در آخر خط

استادیوم- سه چهارمش خالی و یک چهارمش پر با تعویضی‌ها، مربی‌ها و رسانه‌ها البته با تراکم جمعیتی که شاید در آلاسکا پیدا کنید- می‌توانست اوضاع را بدتر کند. هوکردن‌های خشمگینانه، توهین‌های شرورانه، فریادهای همراه با نگرانی و گریه‌های سوزناک هر چقدر هم ناخوشایند باشند به شما می‌گویند زنده هستید. مثل سیلی که به صورت نواخته می‌شود یا نیشگونی که گرفته می‌شود تا درد ایجاد کند و آدرنالین برای ادامه مبارزه. تقریباً خالی بودن سوررئال استادیو دا لوژ شاید بذر تردید را در ذهن بازیکنان بارسلونا پراکند وقتی بعد از تنها نیم ساعت بازی در یک‌چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا ۴-۱ از بایرن‌مونیخ عقب افتادند... این واقعی بود؟

ذهن ناخودآگاه به نیمه نهایی جام جهانی ۲۰۱۴ در بلوهوریزونته می‌رود وقتی برزیل میزبان در نیم ساعت ۵ گل از آلمان خورد. سه تا از بازیکنان این بایرن، جروم بواتنگ، مانوئل نویر و توماس مولر در تاریک‌ترین شب تاریخ فوتبال برزیل بعد از سال ۱۹۵۰ حضور داشتند. آن شب هم مانند جمعه شب مولر گل اول را زد. بله واقعی بود. همه‌اش واقعی بود. نکته قابل توجه درباره بارسلونا این است که وقتی زمین می‌خورد، بد زمین می‌خورد بخصوص در مرحله حذفی لیگ قهرمانان. پاری‌سن‌ژرمن (۴ بر صفر) و یوونتوس (۳ بر صفر) در ۲۰۱۶-، رم (۳ بر صفر) در ۲۰۱۷، لیورپول (۴ بر صفر) در فصل گذشته و حالا این یکی.

جرارد پیکه بعد از بازی گفت: «ما به ته خط رسیده‌ایم. نیاز به تغییر داریم، نه فقط بازیکنان، نه فقط مربیان. من درباره افراد صحبت نمی‌کنم، درباره تغییر ساختاری حرف می‌زنم. اگر به باشگاه کمک می‌کند، من هم می‌روم. این غیرقابل قبول است. تحقیرآمیز است.»

واکنش ناخواسته این است که این بارسا به اندازه‌ای به لیونل مسی وابسته است که یویو به جاذبه و اگر او نتواند کارش را بکند، تیم سقوط می‌کند. کیکه ستین هم مثل کسی که جایش را گرفت، ارنستو والورده به سه شماره می‌رود. فقط او نیست. رئیس بارسلونا، خوسپ ماریا بارتومئو هم گفت حق با کیکه است و تغییرات بزرگی در راه است. نه، او قرار نیست استعفا کند اما بر اساس گزارش رسانه‌های کاتالان اریک آبیدال مدیر ورزشی و اسکار گرائو مدیر اجرایی باشگاه هم به دنبال کارتن خالی برای جمع کردن وسایلشان در اسرع وقت هستند.

آخرین بار که بارسلونا در یک مسابقه رسمی هشت گل خورد مقابل سویا در کوپا دل‌ری (جام پادشاهی) بود؛ البته آن موقع پادشاه در تبعید بود و در واقع کوپا دل ژنرال فرانسیسکو فرانکو بود. سال ۱۹۴۶، پرچم آمریکا ۴۸ ستاره داشت، وینستون چرچیل تازه اصطلاح «پرده آهنین» را ابداع کرده بود و هنوز یوهان کرویف به دنیا نیامده بود اما بی‌اخلاقی است اگر بعد از بازی بایرن روی مشکلات بارسلونا تمرکز کنیم. علاوه بر آن برای آسیب‌شناسی دلایل سقوط بارسلونا از نیمکت تا هیأت مدیره وقت زیاد است.

نه، جمعه به بایرن تعلق داشت و دو ویژگی فروتنی و بی‌رحمی که نمادش مولر بود. قبل از مسابقه از او درباره راز موفقیت بایرن پرسیدند -بایرن در ۹ مسابقه این فصل لیگ قهرمانان ۳۹ گل زده- و جواب داد دلیلش فروتنی در نگرششان است، اینکه از هیچ چیز مطمئن نیستند و از ابتدا تا انتها سخت تلاش می‌کنند. آنها مثل تیمی بازی می‌کنند که هر بار توی زمین می‌رود، باید توانایی‌هایش را ثابت کند.

گل اول مولر به خوبی این را نشان داد. بایرن توپ را گرفت و ایوان پریشیچ از چپ راه افتاد. مولر نفوذ کرد، پاها کشیده، دست‌ها در آسمان. کمی عقب است، روبرت لواندوفسکی مهاجم نوک تیم جلوتر است و آماده گرفتن سانتر اما مولر تقاضای توپ می‌کند. وقتی می‌آید او با پای راست به لواندوفسکی می‌دهد و فوری پس می‌گیرد و با پای چپ ضربه آخر را می‌زند. دوباره تماشایش کنید. مولر سرگردان و ناهماهنگ به نظر می‌رسد اما دقیقاً می‌داند چه می‌کند و البته تأثیرگذار است. مولر به عنوان بهترین بازیکن زمین انتخاب شد اما وقتی گفت این جایزه را باید با هم‌تیمی‌هایش تقسیم کند، یک تعارف بعد از مسابقه نبود. بایرن به معنای واقعی یک تیم بود با «تی» بزرگ و مهم‌تر از آن هرچه مربی‌شان، هانسی فلیک فروخته، با جان و دل خریده‌اند.

سرژ گنابری هم بود، بازیکنی که از کنار چهار مدافع بارسا یک اتوبان باز کرده بود. آلفونسو دیویس، بال کانادایی مدافع چپ شده، با حرکتی که می‌تواند یکی از هایلایت‌های فصل لیگ قهرمانان باشد، نلسون سمدو را جا گذاشت و به یاشوا کیمیش پاس گل داد (این گل که یک دفاع چپ برای یک دفاع راست فراهم کند در این فوتبال عملاً غیرممکن است و هر کسی که اینطور سریع حرکت می‌کند نباید اجازه داشته باشد که اینقدر آرام و متمرکز بازی خودش را انجام دهد). لئون گورتزکا هم بود، تنومند مثل بادیگاردها و ظریف مثل کرم شب‌تاب، برای هم‌تیمی‌ها موقعیت فراهم می‌کرد.

اما شاید از اینها مهم‌تر محیطی است که در آن فعالیت می‌کنند. دو گل آخر بایرن را فیلیپه کوتینیو زد که به صورت قرضی از بارسلونا به بایرن آمده، فصل خوبی را پشت سر نگذاشته و نمی‌داند ماه آینده در اردوی پیش‌فصل کدام تیم خواهد بود اما تا وقتی اینجا است تمام تلاشش را می‌کند مثل ایوان پریشیچ که قرضی از اینتر آمده و گل دوم بایرن را زد.

دو بازیکن هستند که قراردادشان در سال ۲۰۲۱ به پایان می‌رسد و آینده‌شان در باشگاه مبهم است به دلیل سختی‌هایی که در راه مذاکرات تمدید قرارداد به وجود آمده: تیاگو آلکانتارا و داوید آلابا. اولی کنترل خط میانی را در اختیار دارد با آن دقت همیشگی و خلل‌ناپذیرش. دومی آنقدر تمرکز دارد که در دقیقه دوم وقت‌های تلف‌شده در حالی که بایرن ۸-۲ پیش است، برای یک اوت دستی با داور بحث می‌کند و خیلی هم عصبانی می‌شود. این بازیکنان توقفی ندارند و آنها با فروتنی و بی‌رحمی به دنبال رسیدن به هدف هستند.

ده پرده از نمایش سیتی –لیون

علی کمانگری

۱. منچسترسیتی همانند تمام بازی‌های قبلی با آرایش پایه‌ی ۳-۳-۴ کار را آغاز کرد. در چینش اولیه به نظر می‌رسید فرناندینیو، رودری و گوندوغان سه هافبک تیم سیتی را تشکیل می‌دهند اما واقعیت چیز دیگری بود.

۲. سیتی به هنگام ساخت بازی از عقب زمین، آرایش ۲-۳ را به کار می‌برد؛ به این شکل که فرناندینیو، گارسیا و لاپورت عرض سه‌نفره‌ی عقب را تشکیل داده و رودری و گوندوغان(کمی جلوتر از رودری و متمایل به چپ) دو هافبک اتصال دهنده‌ی خط دفاع و حمله‌ی سیتی بودند. عرض ۵ نفره‌ی خط حمله‌ی سیتی هم با این شمایل در میدان حاضر بود: واکر در گوش راست، کانسلو در گوش چپ، دی‌بروین در نیم‌فضای راست، استرلینگ در نیم‌فضای چپ و ژسوس میان دو تن از سه مدافع لیون

۳. گواردیولا در این مسابقه بعد از مدت‌ها کایل واکر را به جای پست « Inverted-fullback»، در پست «wingback» مورد استفاده قرار داده بود، مشابه پستی که آرنولد و رابرتسن در لیورپول بازی می‌کنند. نوع آرایش عقب زمین سیتی هم از ۳-۲ به ۲-۳ تغییر شکل داده بود.

۴. این تغییر آرایش در کنار استفاده از فرناندینیو در پست دفاع وسط سمت راست به هنگام ساخت بازی از عقب زمین و بالا بردن واکر و کانسلو تا جناحین حریف، در نیمه‌ی اول هیچ عایدی برای سیتی نداشت. کانسلو در بسیاری از صحنه‌ها به عنوان wingback چپ به حملات اضافه نمی‌شد و این باعث عدم تشکیل عرض ۵ نفره‌ی مورد نظر گواردیولا در حملات می‌شد. واکر هم در جناح راست در مصاف‌های یک در مقابل یک برابر کورنت حرفی برای گفتن نداشت.

۵. در نیمه‌ی دوم و با اضافه شدن ماحرز به جای فرناندینیو، او به عنوان بال راست در گوش سمت راست قرار گرفت و واکر عقب‌تر آمد تا یک عرض ۳ نفره را در کنار رودری و گوندوغان جلوی دو مدافع میانی سیتی تشکیل دهند. شکل بازی سیتی با ورود ماحرز بسیار بهتر شد و گل تساوی آن‌ها هم در همین مدت به ثمر رسید.

۶. در کنار استفاده از فرناندینیو به عنوان دفاع وسط راست و استفاده از واکر در پست wingback بعد از مدت‌ها، به‌کارگیری خاوی گارسیای ۱۹ ساله، دیگر انتخاب بحث‌برانگیز پپ بود. گارسیا روی صحنه‌ی گل اول با بی‌تجربگی خود آفساید را پر کرد و در صحنه‌ی گل دوم هم یک لایی بد خورد که همان پاس دمبله را تک به تک کرد.

۷. لیون که با آرایش ۲-۵-۳ به میدان آمده بود، به هنگام دفاع به آرایش ۱-۴-۵ و ۲-۳-۵ تبدیل می‌شد. بنابراین در زمین لیون، یک مصاف ۵ برابر ۵ میان مهاجمان سیتی و مدافعان لیون ایجاد می‌شد. سه مدافع مرکزی لیون روز بسیار درخشانی را پشت سر گذاشتند و در اغلب نبردهای یک در برابر یک، استرلینگ، ژسوس، دی‌بروین و ماحرز را شکست دادند. این یکی از مهم‌ترین دلایل پیروزی لیون در این مسابقه بود.

۸. الگوی pressing تیم سیتی در این دیدار عیناً همانند بازی با رئال بود. سه مهاجم سیتی، سه مدافع لیون را تحت فشار می‌گذاشتند و ژسوس سعی می‌کرد با حرکت «shadow cover»، گزینه‌ی ارسال پاس مدافع وسط لیون به هافبک‌های دفاعی را ببندد. دی‌بروین و استرلینگ هم با حرکت «Curve run» نمی‌گذاشتند دو مدافع میانی دیگر لیون، wingbackهایشان را صاحب توپ کنند. تفاوت تیم رودی گارسیا با تیم زیدان در این بود که لیونی‌ها تصمیم گرفتند تمام طول ۹۰ دقیقه را به « long ball» یا بازی مستقیم روی آورند. به این ترتیب آن‌ها برخلاف مادرید، با ریسک از دست دادن توپ در نیمه‌ی زمین خودی مواجه نمی‌شدند و از سوی دیگر هم توانستند از بالا بودن خط دفاع سیتی و بی‌تجربگی مهره‌ای مثل گارسیا در آفسایدگیری نهایت استفاده را ببرند و روی یک توپ بلند پشت دفاع گل اول را بزنند.

۹. در صحنه‌ی گل دوم لیون، پپ گواردیولا ابتدا دستانش را روی سرش می‌گیرد، سپس روی زمین زانو می‌زند و بعد از شدت تأثر و عصبانیت، چمن ورزشگاه را می‌کند. تیم او در روزی باخت که سه گل را روی اشتباهات فردی گارسیا، لاپورت و ادرسن دریافت کرد و رحیم استرلینگ یک دروازه‌ی خالی را در حالی به آسمان کوبید که همان توپ در برگشت گل شد. اما در این باخت دو اشتباه فنی از سوی گواردیولا هم دخیل بود؛ اولی استفاده از گارسیای بی‌تجربه و دومی استفاده از واکر در پست wingback. چرا پپ دقیقاً از همان آرایش دفاعی مقابل رئال بهره نبرد؟ شاید او تیم فرانسوی را دست کم گرفته بود ومی‌خواست با استفاده از فرناندینیو و واکر در پست‌های متفاوت نسبت به بازی‌های قبلی، هم یک پلن B را برای بازی با بایرن تمرین کند، هم تیم بایرن‌مونیخ را در آنالیز دچار سرگردانی کند.

۱۰. هرچه بود تیم پپ شکست بسیار تلخی را در این دیدار متحمل شد. شاید تلخ‌ترین بازی او در تیم سیتی و یکی از تلخ‌ترین تجربه‌های او در لیگ قهرمانان. شکست ناباورانه‌ی ۳-۱ مقابل تیم بی‌ادعای فرانسوی به معنای ۱۰ ساله شدن حسرت قهرمانی در لیگ قهرمانان برای یکی از نوابغ مربیگری دنیا خواهد بود. فوتبال همین است آقای سرمربی!

از بالا تا پایینِ بارسا کوبیده و آسفالت می‌شود

محمدرضا شعاعی

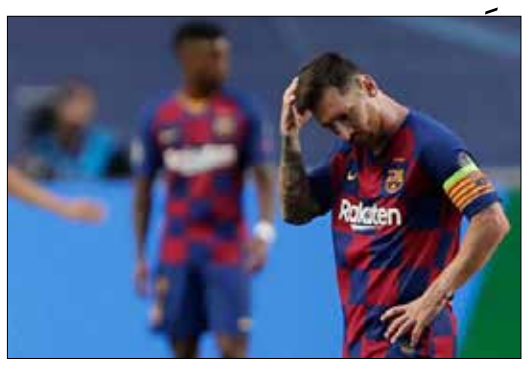

شکست عجیب و باور نکردنی بارسلونا با نتیجه ۸-۲ به قدری شگفت انگیز بود که همچون باخت ۷-۱ تیم ملی برزیل به آلمان در جام جهانی ۲۰۱۴، واکنش های گسترده ای را به همراه داشته است. البته وضعیت خراب بارسلونا در این فصل، اظهر من الشمس بود و حضور کیکه ستین روی نیمکت آبی و اناری ها، نه تنها اوضاع را بهتر نکرد بلکه شرایط برای یاران لیونل مسی بدتر و بدتر شد تا جایی که چنین فاجعه بزرگی را برای باشگاه محبوب کاتالانی رقم زد.

کاتالونیایی ها پس از چند فصل پیاپی، برای اولین بار، بدون فتح هیچ جامی به تعطیلات تابستانی می روند. هر دو تیم بارسلونا و بایرن در طول فصل، تغییر مربی داشتند اما این کجا و آن کجا؟ بایرن مونیخ پس از جانشینی نیکو کواچ با هانسی فلیک، به اوج شکوه تاریخی خود بازگشت اما بارسلونا با کیکه ستین، با سرعت هر چه تمام تر به ته دره سقوط کرد. آشی که ستین پخت به قدری شور بود که این روزها، هواداران آبی و اناری ها را حتی دلتنگ ارنستو والورده کرده است!

نمایش فنی بارسلونا مقابل بایرن به قدری افتضاح و فاقد هر نوع کیفیتی بود که گویی یک تیم آماتور و محلی را در زمین دیدیم. وضعیت بغرنج و آشفته خط دفاعی بارسلونا به طرز غیر قابل بیانی ضعیف و فرو پاشیده بود که جای هیچ بحث فنی را باقی نمی گذارد. این تیم هیچ برنامه ای برای دفاع یا حمله نداشت و اساسا از لحاظ بدنی، تاکتیکی و روانی، به مثابه کاخ پُر طمطراقی بود که مقابل زلزله ۸ ریشتری باواریایی ها، فرو ریخت. بحث درباره این که کدام بازیکن مقصر بود یا کدام بازیکن بهتر بود، اساسا یک بحث بی محتواست زیرا بارسلونا در این بازی هیچستانی از هیچ بود و حتی سایت های معتبر، نمره ای به ۸ بازیکن این تیم ندادند و جلوی نام آنها خط تیره گذاشتند تا عمق فاجعه را خاطر نشان سازند!

تجربیات پیشین در جهان فوتبال نشان داده که گاهی چنین شکست هایی لازم است تا یک تلنگر بزرگ برای انجام دگرگونی های شگرف در یک تیم باشد و چه بسا تیم هایی که بعد از تلخ ترین باخت ها و ناکامی ها، همه چیز را بکوبند و آسفالت کنند و از نو بسازند! بسیاری از کارشناس ها معتقدند که بارسلونا نیز به چنین مرحله ای رسیده و می بایست از بالا تا پایین باشگاه را با یک خانه تکانی اساسی، تغییر بدهد.

داوید سالیناس خبرنگار روزنامه Sport چاپ کاتالونیا معتقد است که اکنون، زمان باز سازی و برنامه ریزی برای آینده بلند مدت باشگاه است و به جز لیونل مسی، کلمون لنگله، فرانکی دی یونگ و مارک آندره تر اشتگن، باید همه بازیکن های بارسلونا را تغییر داد. اگر چه تر اشتگن در این بازی ۸ گل خورد اما به راستی که تقصیر چندانی در این نتیجه نداشت و ویرانه دفاعی بارسایی ها جایی برای درخشش این دروازه بان آلمانی باقی نگذاشت. تر اشتگن و مسی از معدود بازیکن های قدیمی بارسلونا هستند که همچنان مورد حمایت هواداران هستند و حتی پیش از این بازی نیز، خواستار تمدید قرارداد این دو ستاره بودند.

سالیناس خبرنگار Sport در یادداشتی، از جدایی ایوان راکیتیچ، فیلیپه کوتینیو، رافینیا، ساموئل اومتیتی، آرتورو ویدال و مارتین برایتویت حمایت کرد. اومتیتی که پیش از این بازی، تست کرونایش مثبت شده بود، طی چند ماه اخیر به شدت افت کرده و حتی از انجام عمل جراحی زانوی خود نیز امتناع ورزید. راکیتیچ نیز به اواخر فوتبال خود رسیده و در تابستان گذشته نیز حاضر به ترک نیوکمپ نشد. رافینیا و جونیور دو بازیکن برزیلی هم که به درد بارسلونا نخورده اند و یا نیمکت نشین بوده و یا به تیم های دیگر قرض داده شده اند. کوتینیو نیز به عنوان گران ترین خرید تاریخ باشگاه، هرگز در نیوکمپ جا نیفتاد و در بازی مقابل تیم اصلی اش، دو گل زد و یک پاس گل داد. همان کوتینیو که با سر و صدای زیادی به بارسلونا پیوست، در این شب سیاه برای آبی و اناری ها، بلای جان بارسلونا داشت. عجیب این که مدیران باشگاه بارسلونا حتی در قرارداد انتقال قرضی کوتینیو به بایرن مونیخ، این شرط را درج نکردند که او نباید در مقابل بارسلونا به میدان برود. یکی دیگر از تصمیمات اشتباه، معاوضه یک هافبک خلاق و جوان برزیلی یعنی آرتور با میرالم پیانیچ پا به سن گذاشته بود که خیلی ها، یوونتوس را پیروز این معاوضه دانسته و مدیران بارسلونا را بابت این تصمیم، سرزنش کردند. یکی دیگر از خریدهای بزرگ و البته شکست خورده باشگاه، ستاره فرانسوی یعنی آنتوان گریزمان بود که هیچ نشانه ای از آن بازیکن درخشان در اتلتیکو مادرید و تیم ملی فرانسه را از او در نیوکمپ ندیدیم و حالا شایعاتی به گوش می رسد که شاید معاوضه ای بین او و پائولو دیبالا صورت بگیرد. عثمان دمبله نیز یکی دیگر از خریدهای ناکام بارسلونا بود که البته مصدومیت های پیاپی نیز، تأثیر به سزایی در این مورد داشت.

فوتبال یک ورزش بی رحم است و با هیچ کس تعارف ندارد حتی اگر جرارد پیکه و سرخیو بوسکتس باشید. این دو بازیکن قدیمی بارسلونا که از فصل ۲۰۰۸ پیراهن آبی و اناری را بر تن دارند، به آخر خط رسیده اند و خبرنگار Sport نوشته که آنها را نیز باید از تیم کنار گذاشت. جوردی آلبا سال های خوبی را در نیوکمپ سپری کرد اما او نیز همچون لوئیز سوارز ۳۳ ساله، به سال های پایانی فوتبال خود رسیده و شاید هیچ جایی در برنامه آینده بارسلونا نداشته باشد. سوارز یکی بازیکن هایی بود که در این فصل، خیلی راجع به او صحبت کردند. ستاره اروگوئه ای و ارزشمند بارسلونا، طی یک سال اخیر دچار مصدومیت و افت شدیدی شده و حتی پیش از این بازی نیز، تحت آماج انتقادات برخی هواداران و خبرنگارها قرار داشت. به نظر می رسد که هیچ انتخابی جز یک خانه تکانی بزرگ، نمی تواند موجبات رضایت خاطر هواداران سخت گیر بارسلونا را فراهم بیاورد و در این مسیر دشوار، احتمالا نام های بزرگی قربانی خواهند شد.

خیلی از رسانه ها و هواداران بارسلونا، انگشت اتهام را به سوی کیکه ستین سرمربی بارسلونا نشانه می روند که البته حرف اشتباهی نیست و او نقش پُر رنگی در این فاجعه بزرگ داشت اما نباید مشکلات بارسلونا را به طور سطحی بنگریم و آن را به یک شخص یا بازیکن یا مربی و یا چند اشتباه فنی تقلیل دهیم. واقعیت این است که گرفتاری های بارسلونا در لیسبون آغاز نشد بلکه این روند اشتباه و قهقهرایی، به اوج نمود و پیداش در لیسبون رسید و به عبارت دیگر، شب سیاه لیسبون، شب عریانی همه اشتباهات مدیریتی و کلان باشگاه بارسلونا بود.

اغلب کارشناس ها و حتی خود لیونل مسی کاپیتان افسانه ای بارسلونا اعتقاد دارند که حضور مربیان ناموفقی مثل والورده یا ستین، خریدهای اشتباهی مثل کوتینیو یا ویدال و همچنین مشکلات مالی بارسلونا طی چند سال اخیر، حاصل انتخاب های اشتباه است و این انتخاب های اشتباه نیز توسط مدیریت باشگاه انجام می شود. برخی معتقدند که مشکل از مدیریت فوتبالی باشگاه یعنی اریک آبیدال است و او بیش از آن که شایستگی این پُست را داشته باشد، به دلیل ترحم باشگاه و غلبه بر بیماری سرطان، مورد عنایت قرار گرفت.

البته اغلب کارشناس ها، رأس هرم را هدف قرار داده و هیچ کس جز جوزپ ماریو بارتومئو رئیس باشگاه بارسلونا را متهم ردیف اول ناکامی ها نمی دانند و این فجایع را حاصل چند سال غفلت و مدیریت ضعیف او تلقی می کنند. جالب این که مسی نیز آشکارا به انتقاد از بارتومئو پرداخته و تمدید قرارداد خود را منوط به برگزاری انتخابات جدید ریاست باشگاه و تغییر رئیس کنونی کرده است.

لوئیز ماسکارو خبرنگار Sport اعتقاد دارد که بارتومئو رئیس باشگاه بارسلونا، می تواند یکی از سه گزینه زیر را انتخاب کند:

۱. تغییرات را منحصر به سرمربی کرده و کیکه ستین را برکنار کند. مائوریسیو پوچتینو و یا حتی رونالد کومان، مکس آلگری، تیری آنری و گارسیا پیمنتا از جمله گزینه های جانشینی سیتین محسوب می شوند.

۲. بارتومئو از کناره گیری امتناع کند اما شرایط را برای برگزاری انتخابات ریاست باشگاه بین ژانویه تا مارس آینده فراهم بیاورد. اتخاذ این تصمیم، به رئیس آینده باشگاه فرصت می دهد تا از چند ماه زودتر، برنامه ریزی های لازم را برای آینده بارسلونا انجام دهد.

۳. پیچیده ترین تصمیم این است که بارتومئو کُل تیم را متحول سازد اما پول کافی برای این منظور ندارد. شیوع ویروس کرونا، ضرر هنگفت ۲۰۰ میلیون یورویی به باشگاه وارد آورده و شرایط مالی وخیمی را رقم زده است. برای ایجاد تحول و خرید ستاره های جدید، چاره ای جز فروش چند بازیکن گران قیمت کنونی، وجود ندارد.

جالب این که ماسکارو هم با همکار خود هم عقیده است که به جز تر اشتگن، دی یانگ، مسی و لنگله، عملا سایر بازیکن های کنونی باید به فروش برسند و البته با فروش امثال سوارز، آلبا و بوسکتس، باشگاه بتواند بودجه کافی برای پرداخت بدهی خود بابت خرید گریزمان و دمبله را بپردازد و همچنین ستاره هایی مانند لوتارو مارتینز و اریک گارسیا را جذب کند. کاتالان ها باید به جوانان آکادمی «لا ماسیا» همچون ریکی، آنسو، پدری و ترینکائو اعتماد کند و برای ساختن یک تیم جوان و اجرای گزینه سوم، به یک مربی شجاع برای یک «مأموریت غیر ممکن» نیاز دارد!

درباره آینده بارسا و مسی؛ ۷ پرسش

خوزه فلیکس دیاز

بارسلونا بعد از شکست عجیب و غریب ۸-۲ مقابل بایرن مونیخ در لیگ قهرمانان اروپا، روزهای سختی را پشت سر می‌گذارد و در حال عبور از بحرانی است که شاید هیچگاه مانند آن را تجربه نکرده بود. بااین‌حال هفت سوال اساسی درباره آینده بارسلونا و البته فوق ستاره آرژانتینی این تیم یعنی لیونل مسی وجود دارد که باید به آنها پاسخ داده شود.

آیا کیکه ستین به عنوان سرمربی بارسلونا ادامه خواهد داد؟

نه؛ این تصمیم پیش از پایان رقابت‌های لالیگا اتخاذ شده بود؛ جایی که بارسلونا قافله قهرمانی را به رقیب دیرینه خود یعنی رئال مادرید واگذار کرد. سرمربی اسپانیایی شاید تنها با قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا برای ماندن در نوکمپ شانس داشت؛ اتفاقی که کاملاً رویایی به نظر می‌رسید و نهایتا با یک فاجعه کار بارسا در چمپیونزلیگ به پایان رسید.

سرمربی جدید بارسلونا چه کسی خواهد بود؟

هنوز مشخص نیست اما اسامی زیادی وجود دارند که هیئت مدیره بارسلونا در حال بررسی آنهاست. از مائوریسیو پوچتینو به عنوان یکی از جدیدترین گزینه ها برای حضور در نوکمپ یاد شده اما سرمربیگری این آرژانتینی در اسپانیول و البته علاقه ای که پیش از این برای سرمربیگری در رئال مادرید نشان داده بود، باعث شده که هواداران بلوگرانا به شدت با این موضوع مخالفت کنند. از طرفی رونالد کومان و خاوی گارسیا پیمنتا در حال حاضر بیشترین شانس را برای هدایت بارسا در فصل آینده دارا هستند.

آیا بارتومئو استعفا خواهد داد؟

با وجود اینکه به نظر می رسد رئیس باشگاه بارسلونا نقش مهمی در ناکامی های اخیر این تیم در لیگ قهرمانان اروپا داشته و هواداران نیز خواهان استعفای او هستند اما خود او هیچ قصدی برای ترک این تیم ندارد. با وجود این که او از لحظات دشواری که بارسلونا آن را سپری می کند، آگاه است اما احساس نمی‌کند که نیازی به ترک این باشگاه وجود داشته باشد.

آیا انتخابات زودهنگام برگزار خواهد شد؟

این سوالی است که در حال حاضر نمی‌توان هیچ پاسخ قطعی برای آن یافت. با این وجود چیز مشخص این است که دوره ریاست بارتومئو در سال ۲۰۲۱ به شکل رسمی پایان خواهد یافت. با این حال گفته می‌شود که موضوع برگزاری انتخابات زودهنگام روز دوشنبه در جلسه سران باشگاه بارسلونا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

آیا برخی از بازیکنان ناکارامد بارسا در لیست فروش قرار خواهد گرفت؟

ایده تیم فنی بارسلونا این است که بلافاصله تیم را بازسازی کند. جرارد پیکه ،سرخیو بوسکتس ،یوردی آلبا، ایوان راکیتیچ ،آرتورو ویدال و لوئیس سوارز لیست بازیکنانی را تشکیل می دهند که این باشگاه علاقه چندانی به ادامه همکاری با آنها ندارد. با این وجود دو مشکل بر سر جدایی آنها از بارسا وجود دارد؛ اول اینکه آنها هنوز با باشگاه کاتالانی قرارداد دارند و موضوع دیگر اینکه هیچ تیمی حاضر نیست در مقطع کنونی حقوق بالای این بازیکنان را پرداخت کند.

آیا لیونل مسی در بارسلونا خواهد ماند؟

با توجه به فصل ناامید کننده ای که بارسلونا پشت سر گذاشت و عصبانیت لیونل مسی از مدیریت باشگاه، به نظر می رسد که فوق ستاره آرژانتینی در حال حاضر به ترک بلوگرانا فکر می‌کند. در این مرحله هیچ چیز را نمی توان رد کرد؛ این حالی است که قرارداد فعلی او در ژوئن ۲۰۲۱ به پایان خواهد رسید.

یادداشت

داستان تازه فوتبال با پایان باز

علیرضا مویدی‌فر

شاید همین حالا جایگاه واقعی بارسلونا آنگونه که به نظر می‌آید، سقوط نکرده باشد اما نتیجه بازی پریشب با هر متر و معیاری یک فاجعه تمام‌عیار بود؛ فاجعه‌ای که واضح‌تر از هر زمان دیگری پایان تراژیک یک نسل درخشان و تاریخ‌ساز را فریاد زد.

روزگاری که حالا انگار خیلی دور به نظر می‌آید، بازیکن ریزجثه‌ای، با چهره‌ای کودکانه و معصوم، مثل یک خرگوش دوست‌داشتنی و گریزپا، بازیکنان رقیب را ریسه می‌کرد و پس از هر گل، پاس یا کاشته‌ای که به ثمر می‌رسید، در آغوش ستاره‌ای بزرگ آرام می‌گرفت، با لبخندی به پهنای صورت؛ گاهی در آغوش رونالدینیو، گاهی آنری و گاهی اتوئو. لیونل مسی، نماد موجی بود که از جریان مداوم بازیکن‌سازی و استعدادیابی باشگاه‌های بزرگ دنیا (اینجا، بارسلونا) برآمدند، تاریخ فوتبال را تحت تأثیر خود قرار دادند و درخشان‌ترین فصل تاریخ بارسا را آفریدند.

اما مسی در سایه توانمندی‌های وسیعش تبدیل به برند و ویترین آن جریان شد، به‌گونه‌ای که بزرگان بی‌تردیدی در سایه تابش و درخشش او کمتر دیده شدند. مسی دریبل می‌زد، کاشته می‌زد، گل می‌کاشت و خدایی می‌کرد اما شاید کمتر کسی توجه کرد بستری که مسی در آن معجزه می‌آفرید، توسط ستارگان دیگری ساخته می‌شد که دورتر از خورشید او دیده نمی‌شدند.

اتوبان دفاع چپ بارسا در بازی برابر بایرن، دنی آلوس را به خاطر می‌آورد. جولان گورتزکا و مولر پشت سد دفاعی بارسا و در محوطه جریمه نتیجه فقدان پویول و از کار افتادگی پیکه و بوسکتس بود. پاس‌هایی که با چند متر اختلاف به خارج از زمین یا به بازیکنان رقیب می‌رسید، دریغ حضور ساق‌های هنرمند ژاوی و اینیستا را یادآور می‌شد. تک‌تک این نام‌ها، سازندگان تیم رویایی بارسا در یک دهه گذشته بودند؛ پایه‌های تاج و تختی که کینگ لئو بر فراز آن پادشاهی کند و بارسلونا را دست‌نیافتنی.

به اینها بیفزایید حضور تک ستارگان تأثیرگذار دیگر و مربیان و مدیران خلاق را.

حالا دوران آن نسل به سر آمده. بزرگانی چون پویول، آلوس، ژاوی و اینیستا رفته‌اند و پیکه و بوسکتس به پایان نزدیک می‌شوند؛ بازوان قدرتمندی که به مسی یاری دادند تا اسطوره‌ای بشود که می‌شناسیم.

حالا بار یک باشگاه و یک دهه لبریز از افتخار روی دوش‌های مسی سنگینی می‌کند. خودش باید بدود، فضا بسازد، پاس بدهد، در موقعیت قرار بگیرد و گل بزند. دیگر از یاران گذشته اثری نیست و یاران فعلی هم انگار حتی ماکتی از پیشینیان خود نیستند. انگار مسی باید می‌ماند تا این روزها را ببیند. شاید اگر لیونل مسی اینگونه در تار و پود بارسلونا تنیده نبود، می‌شد جایی دیگر را برای بروز توانایی‌های بی‌تردیدش تصور کرد اما مسی و جایی بجز بارسلونا؟ حس تلخ و سیاهی از غریب‌افتادگی و بی‌پناهی به ذهن می‌رساند. انگار از آن ارتش فاتح، چند کهنه‌سوار پیر و یک ژنرال خسته و عاصی باقی مانده که دروازه قلعه‌شان که روزی رسوخ ناپذیر بود، حالا به روی هر مهاجمی گشوده است.آیا فرمانده تنهای بارسا خواهد توانست یک‌بار دیگر، و این‌بار به‌تنهایی، ارتش مضمحل‌شده آبی و اناری را دوباره متحد، پرانگیزه و پیروز سازد؟ یا تسلیم واقعیت جاری تیمش خواهد شد و نیم‌نگاهی به یک بازنشستگی آبرومند، جایی غیر از بارسا خواهد انداخت؟خدای فوتبال پریشب داستان تازه‌ای برای شنیدن نسل‌های آینده نوشت؛ داستانی پر از تعلیق و هنوز با پایان باز.

آگهی مفقودی

برگ سبز، کارت خودرو و سند کمپانی وانت دولتی مزدا ۱۶۰۰ مدل ۱۳۶۹ تعداد سیلندر ۴ به شماره انتظامی ۲۲ – ۸۳۷ الف ۲۵ شماره موتور ۱۸۹۸۱۴ و شماره شاسی ۶۹۶۰۶۰۶۰ متعلق به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران مفقود شده و از درجه اعتبارساقط می باشد.

++

مفقودی

سند مالکیت و برگ سبز خودرو سواری پیکان أ۱۶۰۰مدل ۱۳۸۳رنگ سفید به شماره موتور ۱۱۲۸۴۰۰۵۱۶۰ و به شماره شاسی ۱۰۰۰۸۱۱۶ و به شماره پلاک ایران ۳۱/ ۴۸۶ د ۴۸ به نام محمد صادق سبزواری فرزند محمد مفقود گردیده اند واز درجه اعتبار ساقط میباشند.

خرم آباد

++

مفقودی

سند مالکیت و برگ سبز خودرو سواری پیکان _ ۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۹ رنگ سفید به شماره موتور ۱۱۱۲۷۹۸۵۰۸۴ و به شماره شاسی ۷۹۴۸۸۵۸۳ و به شماره پلاک ایران ۳۱ / ۷۲۷ ب ۷۲ به نام ایرج سالاری جم فرزند روح الدین مفقود گردیده اند واز درجه اعتبار ساقط میباشند.

خرم آباد

++

مفقودی

سند مالکیت و برگ سبز خودرو سواری پیکان_ أ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۳ رنگ سفید به شماره موتور ۱۱۲۸۴۰۲۳۲۹۰ و به شماره شاسی ۱۱۰۱۲۲۹۸ و به شماره پلاک ایران ۸۱۵/۳۱ ب ۸۶ به نام زینب موسوی فرزند سید علی رحم مفقود گردیده اند واز درجه اعتبار ساقط میباشند.

خرم آباد

++

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای حسن عبدالعلی زاده دارای ش ش ۲۳بشرح دادخواست به کلاسه ۹۹۰۰۴۸۳ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان خداوردی عبدالعلی زاده ش ش ۵۷در تاریخ۸۶/۱۰/۱۷ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه آنمرحوم منحصر است به ۱-سریه بابرام پور ش ش ۲۸۳۰۷۹۵۵۰۴ ت ت ۱۳۱۱/۴/۱۹زوجه متوفی ۲-حسین عبدالعلی زاده ش ش ۲۸۳۰۵۱۱۸۱۶ ت ت ۱۳۴۳/۴/۱پسر متوفی ۳-حسن عبدالعلی زا